




ORIGINAL RESEARCH PAPER

## Legal and Psychological Effects of the Condition of the Right to Divorce for Women

Leila Javanmard<sup>1</sup>, Ayda Mehrpour<sup>\*2</sup> 

**Received:**

06 Jun 2024

**Revised:**

18 Jul 2024

**Accepted:**

15 Agu 2024

**Available Online:**

22 Sep 2024

**Keywords:**

Divorce, Divorce Condition, Condition within the Contract, Women.

Abstract

**Background and Aim:** The right of divorce for women means that a woman can request a divorce without needing her husband's consent. Traditionally, in Iran, the right of divorce is held by men; however, women can acquire this right by obtaining a divorce proxy from their husbands. The impacts of a woman's right to divorce include legal and psychological aspects such as entitlement to dowry, the right to equal distribution of assets, personal independence, and protection of her financial rights when exercising this right.

**Materials and Methods:** The research method in this research is descriptive-analytical.

**Ethical Considerations:** All ethical principles have been observed in the writing stages of this research.

**Findings & Conclusion:** When a woman exercises her right to divorce, she is entitled to receive her full dowry. Notably, the possession of the right to divorce does not necessarily lead to a sense of peace for many women, contrary to popular belief. In the end, this article discusses the implications of the condition of the right to divorce for women, including the necessity of obtaining a certificate of hardship, the need to consult family counseling offices, the right to legal representation, the possibility of receiving dowry and the right to equal asset distribution. Additionally, it explores the psychological effects of the right to divorce on women's inner thoughts and attitudes, their sense of peace or unrest, interactions with others, their professional environments, familial situations, and broader societal impacts.

*1\** Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, University of Lorestan, Khoramabad, Iran.

*2* M.A Student of Private Law, Faculty of Humanity, University of Lorestan, Khoramabad, Iran. (Corresponding Author)

Email: [aydamehrpour448@gmail.com](mailto:aydamehrpour448@gmail.com) Phone: +989916518977

**Please Cite This Article As:** Javanmard, L & Mehrpour, A (2024). "Legal and Psychological Effects of the Condition of the Right to Divorce for Women". *Interdisciplinary Legal Research*, 5(3): 41-55.



مقاله پژوهشی  
(صفحات ۴۱-۵۵)

## آثار حقوقی و روان‌شناسی وجود شرط حق طلاق برای زن

لیلا جوانمرد<sup>۱</sup>، آیدا مهرپور<sup>۲\*</sup>

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

Email: aydamehrpour448@gmail.com

۲. دانشجوی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)

دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۸ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

### چکیده

**زمینه و هدف:** حق طلاق زن به این معنا است که زن بدون نیاز به رضایت شوهر بتواند درخواست طلاق کند. در ایران به‌طور سنتی حق طلاق در اختیار مرد است اما زن می‌تواند با گرفتن وکالت طلاق از شوهر، این حق را کسب کند. برخورداری زن از مهریه، حق تنصیف، حس استقلال و حفاظت از حقوق مالی زن در صورت اعمال حق طلاق خود، برخی از آثار حقوقی و روان‌شناسی وجود شرط طلاق برای زن تلقی می‌شوند.

**مواد و روش‌ها:** روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای است.

**ملاحظات اخلاقی:** کلیه اصول اخلاقی حاکم در پژوهش، در تقریر این مقاله رعایت شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** زن در صورت اعمال حق خویش و مطلقه ساختن خود، مستحق دریافت مهریه‌اش به‌صورت تمام و کمال می‌باشد. لازم به ذکر است که داشتن حق طلاق برای زن، برخلاف تفکر بسیاری از افراد، لزوماً به‌معنای ایجاد احساس آرامش برای وی نیست. در نهایت در ذیل این مقاله به بررسی اثر شرط حق طلاق زن بر لزوم أخذ گواهی عسروجرح، بر لزوم مراجعه به دفاتر مشاوره خانواده، بر لزوم داشتن حق استفاده از وکیل دادگستری، بر امکان دریافت مهریه، بر امکان دریافت حق تنصیف و همچنین آثار روان‌شناسی حق طلاق برای زن در حوزه افکار و نگرش درونی ایشان، آرامش یا عدم آرامش او، در تعامل با دیگران، در محیط شغلی، در محیط خانواده و در اجتماع پرداخته‌ایم.

**کلمات کلیدی:** طلاق، شرط طلاق، شرط ضمن عقد، زن.

## مقدمه

## ۱- بیان موضوع

براساس قوانین ایران، حق طلاق به شرط پرداخت تمام تعهدات مالی زوجه در اختیار مردان است و زنان هم در شرایط خاصی همچون عسروحرج در ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی<sup>۱</sup> می‌توانند از دادگاه تقاضا حکم طلاق نمایند یا این که از شوهر وکالت برای طلاق خود داشته باشند. مطابق همین ماده و شرع، حق طلاق برای مرد است لکن زوج می‌تواند اجرای حق خود را به زوجه یا هر شخص ثالثی بدهد که منظور ما از حق طلاق برای زن همین می‌باشد. خانواده همواره به‌عنوان یک نهاد بسیار مهم و سرنوشت ساز برای افراد آن خانواده و جامعه هم مورد اهمیت قانون بوده است و هم شرع. یکی از عوامل فروپاشی خانواده، طلاق می‌باشد که با وجود حق طلاق برای زنان، به دلایلی که ریشه در عواطف و احساسات زنان دارد رفته‌رفته روبه فزونی می‌نهد و آمار پرونده‌های طلاق به همین ترتیب افزایش می‌آید.

زنان با وجود حق طلاق می‌توانند با در نظر گرفتن آثار حقوقی و روان‌شناسی طلاق ناشی از چنین حقی که خود را در لحظه به لحظه زندگیشان نمایان می‌کند از اعمال حق طلاق اجتناب کنند و به مصلحت زندگی فردی و اجتماعی خود فکر کنند و به توصیه اسلام که همواره انسان‌ها را به حفظ کانون خانواده تشویق می‌نماید و طلاق را قبیح می‌داند عمل نمایند. ما به‌منظور جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها و کاهش آمار طلاق در جامعه و آگاهی زوج و زوجه نسبت به حقوق خود در امر نکاح و طلاق ضروری میدانیم که به بررسی آثار حقوقی و روان‌شناسی حق طلاق برای زنان و حدود اختیارات ناشی از این حق که به زوجه تعلق می‌گیرد بپردازیم و امید داریم که مؤثر واقع شود.

درنهایت امر، چون مابقی کتب و مقالات به‌طور کلی به بحث طلاق پرداخته‌اند ما تصمیم گرفتیم که در ذیل این مقاله به بررسی مفاهیمی چون شروط ضمن‌العقد، طلاق، شرط طلاق،

اثر شرط طلاق زن بر لزوم أخذ گواهی عسروحرج، بر لزوم مراجعه به دفاتر مشاور خانواده، بر لزوم داشتن حق استفاده از وکیل دادگستری، بر امکان دریافت مهریه، بر امکان دریافت حق تنصیف، برامکان بائن یا رجعی بودن طلاق، بر مدت روند اعمال طلاق، بر مدت روند ثبت در دفاتر ثبت طلاق، آثار روان‌شناسی شرط حق طلاق برای زن در حوزه افکار و نگرش درونی ایشان و با دیگران جهت حفظ کیان خانواده، رفع نابسامانی خانوادگی، آشنایی زوجین با حقوق خود، کاهش آمار طلاق که در جامعه کنونی بیداد می‌کند و به‌منظور اجتناب از عادی‌سازی طلاق ناشی از حق طلاق زن در جامعه بپردازیم.

## ۲- روش پژوهش

روش انجام این تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده است.

## بحث و نظر

## ۱- مفاهیم

در این بخش از مقاله می‌خواهیم به مفهوم و معنای یک‌سری از عبارات کاربردی مرتبط با موضوع خود، همچون مفهوم شروط ضمن عقد، طلاق و شرط طلاق بپردازیم:

## ۱-۱- شروط ضمن عقد نکاح

شرط ضمن عقد به معنای تراضی طرفین بر التزام تعهد تبعی در کنار تعهد اصلی ناشی از عقد بوده است (محقق داماد، ۱۳۹۰: ۳۱۷؛ بجنوردی، ۱۴۲۸: ۲۵۲/۳؛ کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۸۲/۳-۲۸۱؛ امین فرد، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

شروط ضمن عقد نکاح (شرط توافق طرفین برای ازدواج، شرط تنصیف اموال، شرط حق حضانت فرزندان، شرط عدم رابطه جنسی و...) را که به نام شروط ۱۲ گانه ضمن عقد و از ماده ۸ قانون حمایت خانواده<sup>۲</sup> اقتباس شده‌اند، تعهداتی‌اند که در حین ازدواج با توافقات زن و شوهر وارد مفاد قرارداد ازدواج آن‌ها می‌شود. این شروط اغلب به‌صورت دفترچه پیشنهادی

<sup>۱</sup> - ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی: «مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید».

<sup>۲</sup> - ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.

در طلاق مانند نکاح دو نفر نقش اساسی را بازی می‌نمایند: یکی شوهر (مطلق) و دیگری زن که طلاق داده می‌شود و او را مطلقه می‌نامند (امامی، ۱۳۹۴: ۱۷/۵). اسلام در محور نخست طلاق را حرام ندانسته و آن را حلال می‌داند، اما در محور دوم آن را مغبوض‌ترین می‌داند (پسندیده، ۱۳۴۸: ۱۷). رسول خدا (ص) از طلاق به‌عنوان «بغض الحلال الی الله» یاد کرده‌اند که عرش خدا به لرزه می‌افتد و جامعه‌ای را که طلاق نزد آنان محکم‌تر از پیمان خداوند متعال (ازدواج) باشد، بدترین جامعه دانسته‌اند و یکی از نشانه‌های آخر الزمان را ساده شدن طلاق و افزایش آن بر شمرده‌اند (پسندیده، ۱۳۴۸: ۱۸). محقق شدن طلاق یکسری شرایط از جمله وجود شرایط خاصی برای زن و مرد مانند رشد زوج و...، جاری شدن صیغه طلاق و شهادت دو نفر مرد عادل بر جاری شدن صیغه طلاق دارد.

### ۱-۳- شرط طلاق

مطابق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی و شرع، حق طلاق با مرد است اما مرد می‌تواند استفاده از این حق را در قالب وکالت به زن (همسرش) یا شخص دیگری بدهد به این توضیح ساده اصطلاحاً «حق طلاق» می‌گویند. حق طلاق یا همان شرط طلاق به‌عنوان یکی از شروط ضمن العقد، ذیل سند ازدواج در حین عقد نکاح درج می‌شود، قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۱۹<sup>۱</sup> نیز ذکر کرده است که زوجه می‌تواند در هنگام

۱- ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد نکاح نباشد، در این عقد لحاظ کنند. با توجه به این ماده، ممکن است زنان، شرط تفویض طلاق را از همسر خود، خواستار باشند.

۲- ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده: «مرد نمی‌تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر: ۱- رضایت همسر اول. ۲- عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی. ۳- عدم تمکین زن از شوهر».

۳- ماده ۱۹ قانون حمایت خانواده: «مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین، خواسته‌های دادگاه را در مهلت مقرر اجراء و در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش می‌کنند. مراکز مذکور در صورت حصول سازش به تنظیم سازش‌نامه مبادرت و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود در مورد علل و دلایل عدم سازش را به طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می‌کنند».

۴- ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده: «در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. در این موارد طرفین می‌توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتداء در مراکز مذکور مطرح کنند.

حتی توسط آنان که از این حقوق خبر ندارند هم امضا می‌شوند. اما بهتر است که این شروط به‌صورت یک قرارداد کامل و نه به‌صورت خلاصه‌ای کوتاه در سند رسمی ازدواج ذکر می‌شد و با امضای طرفین به آن رسمیت بیشتری می‌داد. در حال حاضر این شروط دوازده گانه در سند ازدواج چاپ شده‌اند.

در اوایل سال ۱۳۶۱ مواردی در عقدنامه‌ها ذکر شد که به موجب آن زن به وکالت از شوهر می‌تواند خود را مطلقه سازد و برخی شروط دیگر در سال‌های بعد به عقد نامه‌ها اضافه شد. براساس قانون مدنی ایران، ازدواج قراردادی است که در آن حقوق و تکالیف متفاوتی به زن داده می‌شود که زن با امضای قرارداد ازدواج برخی از حقوق معنوی و مدنی خود را به همسرش می‌دهد اما با این حال حقوق مادی خود را همچون نفقه و مهریه را مطابق قانون حتماً به دست می‌آورد. این گونه شروط در صورت مغایرت با قوانین تفسیری بر قانون برتری دارند و در صورت بروز اختلاف باید به این شروط عمل کرد اما در صورت مغایرت این شروط دوازده گانه با قوانین آمره، این شروط اعتباری ندارند و باید مطابق قانون آمره عمل شود. وجود این شروط ضمن عقد تا حدودی توانسته است سبب تغییر قابل ملاحظه‌ای در چهره ازدواج شود و نوع خاصی از ازدواج را پدید آورد (۱۴۰۳،

[fa.m.wikipedia.org](http://fa.m.wikipedia.org)

### ۱-۲- طلاق

طلاق در لغت به معنای ترک کردن، آزاد و رها شدن و جدایی است و در اصطلاح شرعی «گسستن پیوند ازدواج با صیغه مخصوص است» (راحم و سرگزئی کوشه، ۱۴۰۱: ۲۴).

طلاق به معنای پایان شرعی و قانونی ازدواج و جدایی زن و شوهر از یکدیگر می‌باشد که به دنبال خود یکسری حقوق و تکالیفی که در زمان قبل از جدایی زن و شوهر میانشان موجود بوده را از بین می‌برد. در خصوص تعریف طلاق می‌توان گفت: طلاق ایقاعی است که به موجب آن زوج را به اذن یا حکم دادگاه، از قید زوجیت و رابطه زناشویی رها و جدا می‌سازد (راحم و سرگزئی کوشه، ۱۴۰۱: ۲۸).

برای طلاق موجود باشد و زن برای رهایی از آن متوسل به طلاق از جانب دادگاه شده باشد، نه برا جبران ضرر گذشته (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲/۲۲۵). هم‌اکنون در غالب موارد حقوق دانان به‌دشواری می‌توانند حدس بزنند که زن در رجوع به دادگاه برای طلاق با چه حکمی روبه‌رو خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱/۲۲۷).

حال آن که در حقوق ایران، وجود شرط طلاق برای زن به‌طور مستقیم به لزوم أخذ گواهی عسرورجح منجر نمی‌شود. زنانی که دارای شرط طلاق هستند، می‌توانند بدون نیاز به اثبات عسرورجح، درخواست طلاق کنند. این شرط به آنها اجازه می‌دهد تا در صورت بروز مشکلات در زندگی مشترک، به راحتی اقدام به طلاق نمایند. بنابراین، شرط طلاق به‌عنوان یک حق قانونی، فرآیند طلاق را برای زنان تسهیل می‌کند و نیازی به اثبات عسرورجح ندارد.

## ۲-۲- اثر شرط حق طلاق زن بر لزوم مراجعه به دفاتر مشاوره خانواده

مطابق مواد ۱۶ و ۱۹<sup>۲</sup> قانون حمایت خانواده، دادگاه‌های خانواده الزامی به ارجاع زوجین به مراکز مشاوره خانواده ندارند و قانون‌گذار صرفاً چنین تکلیفی را در ماده ۲۵<sup>۴</sup> همین قانون، به‌منظور تحکیم مبانی خانواده و ارائه مشاوره خانواده، مکلف به معرفی زوجین به مراکز مشاوره کرده است. بنابراین وجود شرط حق طلاق زن تأثیر قابل توجهی بر لزوم مراجعه به دفاتر مشاوره خانواده دارد. این شرط می‌تواند به‌عنوان یک ابزار پیشگیرانه عمل کند و طرفین را به مشاوره و گفتگو در مورد مسائل خانوادگی تشویق کند. طبق قانون حمایت خانواده، مراجعه به دفاتر مشاوره قبل از طلاق الزامی است و این شرط می‌تواند به کاهش تنش‌ها و اختلافات کمک کند. بنابراین، شرط حق طلاق زن می‌تواند ضرورت مراجعه به مشاوره را تقویت کند تا از بروز مشکلات حقوقی و عاطفی جلوگیری شود. بنابراین حتی اگر زن حق طلاق را داشته باشد، قانون همچنان مراجعه به دفاتر مشاوره را به‌عنوان مرحله‌ای ضروری قبل از اقدام به طلاق تعیین کرده است. بنابراین، شرط حق طلاق زن نمی‌تواند این الزام قانونی را لغو کند.

عقد شرط کند که در صورت وقوع رویدادهایی خاص (مثلاً عدم توانایی پرداخت نفقه، غیبت به مدت معین، ازدواج دوم، ضرب و شتم و غیره) می‌تواند به وکالت از طرف زوج (مرد) طلاق بگیرد و خود را مطلقه سازد (۱۴۰۳، Vakil.com). بنابراین قانون، قید کردن چنین شرطی در ذیل عقدنامه از جانب زوج برای زوجه، جایز و بلامانع است.

گاهی مشاهده می‌شود که برخی از سردفتران، شروط ضمن العقد از جمله شرط طلاق را نمی‌پذیرند و از ثبتشان اجتناب می‌نمایند که این کار آنها منشأ قانونی ندارد و مطابق نظر کارشناس کارگاه آموزشی قوه قضاییه، درج هر شرطی در عقد نامه که مورد قبول متقاضی عقد باشد، مطابق قانون اساسی بلامانع است (۱۴۰۳، fa.m.wikipedia.org).

## ۲- آثار حقوقی شرط حق طلاق برای زن

در این بخش به بررسی برخی از این آثار به شرح زیر می‌پردازیم.

۲-۱- اثر شرط حق طلاق زن بر لزوم أخذ گواهی عسرورجح  
واژه «عسر» به لحاظ لغوی در معنای دشواری (طهرانی، ۱۳۸۳: ۳/۴۹۰)، سختی، تنگی و تنگدستی (عمید، ۱۳۶۳: ۳/۱۷۱۴) و واژه حرج در معنای پرهیز، تنگی (طهرانی، ۱۳۸۳: ۳/۲۷۱) و نیز در معنای گناه آمده است که مفهوم آنها نیز از معنای لغوی آنها به دور نیست. عسرورجح با مفهوم عام و مصادیقی غیر قابل احصا همواره یکی از مهم‌ترین موجبات و مستندات زن برای تقاضای صدور حکم طلاق بوده که همین عمومیت آن را در نزاعی بی‌پایان برای دستیابی به رسالت خویش قرار داده است (حاتمی و شرقی، ۱۳۹۷: ۷۳-۷۲).

دادگاه در درخواست طلاق زوجه، با اثبات عسرورجح، حکم طلاق صادر می‌کند و برای طلاق سببی که زن را به عسرورجح دچار کرده است، در هنگام مراجعه زن به دادگاه

در صورت عدم انصراف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن موارد توافق جهت اتخاذ تصمیم نهایی به دادگاه منعکس می‌کند».

## ۲-۳- اثر شرط حق طلاق زن بر لزوم داشتن حق استفاده از وکیل دادگستری

اعطای وکالت به زوجه مانع از این نیست که زوج خود راساً زن را طلاق دهد. بنابراین شروط مزبور به هیچ عنوان محدودکننده حق مرد در طلاق همسرش نیست (شیروی، ۱۳۹۵: ۲۱۲). در حقوق ایران، زنانی که حق طلاق دارند، برای مطلقه ساختن خود به‌طور قانونی نیازی به وکیل دادگستری ندارند، اما مشاوره با وکیل می‌تواند به تسهیل فرآیند کمک کند. طبق ماده ۱۱۱۹<sup>۱</sup> قانون مدنی، زوجه می‌تواند از طریق وکالت، طلاق را درخواست کند. با این حال، داشتن وکیل می‌تواند در مدیریت مراحل قانونی و حقوقی و همچنین در جلوگیری از مشکلات احتمالی مؤثر باشد.

هنگامی که زن از شوهر وکالتنامه طلاق دارد در واقع وکالت دارد که برای او وکیل دادگستری انتخاب کند. اما خود زوجه می‌تواند وکیل نداشته باشد چون اساساً داشتن وکیل اختیاری است ولی به کرات مشاهده می‌کنیم که زوجه با وکالت برای طلاق به دفاتر وکالت متعدد مراجعه می‌کنند و وکالتاً از جانب شوهر و اصالتاً از جانب خود دو وکیل انتخاب می‌کنند (parsaylawers.com، ۱۴۰۳). وکلا به دلیل آشنایی با قوانین و رویه دادگاه‌ها از طریق مدیریت مستندات و انجام مذاکرات می‌توانند مسبب ایجاد آرامش برای موکل خود و حصول اطمینان حفظ حقوق ایشان در این زمینه باشند تا زنان بتوانند بر موضوعات دیگر تمرکز نمایند. بنابراین در این زمینه الزامی به استفاده از وکیل دادگستری برای زن نمی‌باشد اما برای تسهیل روند طلاق، بهتر است که زن از این حق خود استفاده کند و از طریق وکیل روند طلاقش را طی کند.

## ۲-۴- اثر شرط حق طلاق زن بر امکان دریافت مهریه

مطابق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی ایران و رویه قضایی، «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید». مهریه زوجه از چنان جایگاهی برخوردار

است که با وجود شرط حق طلاق برای زن، هیچ‌گونه خدشه‌ای بر آن وارد نمی‌شود و زن می‌تواند به‌طور تمام و کمال آن را از همسر خود وصول کند مگر آنکه شرط خلافی در این خصوص نمایند. مهر اگرچه از لحاظ اقتصادی صرف چندان ملحوظ نیست اما در هر حال جنبه پشتیبانی، خصوصاً پشتیبانی روانی دارد (سیاوشی‌فر، ۱۴۰۱: ۱۶۹).

تأدیه مهریه یکی از مسائلی است که خانواده و جامعه نسبت به آن نگرانی دارند و برای کاهش مشکلات ناشی از تأدیه مهریه از راهکاری تحت عنوان بیمه مهریه سخن به میان آمده است (صحرا گرد دهکردی و حائری، ۱۳۹۵: ۲۴۷۶). زوجه می‌تواند با مراجعه به دادگاه، درخواست صدور اجراییه برای مهریه را ارائه دهد. پس از صدور اجراییه اموال مرد برای پرداخت مهریه توقیف می‌شود. یا اینکه طرفین می‌توانند در نحوه دریافت مهریه با یکدیگر توافق کنند و این توافق در سند طلاق قید شود.

## ۲-۵- اثر شرط حق طلاق زن بر امکان دریافت حق تنصیف

یکی از شروطی که در دو دهه گذشته به‌صورت پیش نویس در همه اسناد ازدواج به چشم می‌خورد، شرط تملیک تا نصف دارایی که شوهر در دوران زناشویی با همسر خود به دست آورده به‌صورت بلاعوض به همسر خود در صورت طلاق است. این شرط برا تعدیل حق انحلال یک جانبه عقد نکاح به دست مرد مقرر شده است، بدین صورت که بدون گرفتن حق طلاق از مرد، قانون‌گذار در مقام تأمین حقوق مادی زوجه برآمده است که معمولاً متضرر اصلی از انحلال عقد نکاح است (دیانی، ۱۳۸۴: ۳۸). البته باید در نظر داشت که اگر مرد بتواند ثابت کند که طلاق، ناشی از تخلف زن از وظایف زناشویی و سو اخلاق و رفتار بوده، در این صورت زن هیچ حقی بر دارایی‌های مرد ندارد (قنادی، ۱۳۹۹: ۷۷). با توجه به مفاد شرط تنصیف که اعلام می‌کند: «... زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را ... به زوجه منتقل نماید» و انتقال اقدامی است که زوج باید پس از وقوع طلاق و به حکم دادگاه انجام دهد، باید گفت که این شرط، یک شرط فعل حقوقی مثبت است (صفایی و امامی، ۱۳۸۸: ۶۶؛ یزدانیان و

۱- ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد نکاح نباشد، در این عقد لحاظ کنند. با توجه به این ماده، ممکن است زنان، شرط تفویض طلاق را از همسر خود، خواستار باشند.

داده است (قنادی، ۱۳۹۹: ۸۲ و ۸۱). شرط حق طلاق زن در حقوق ایران تأثیر قابل توجهی بر نوع طلاق (بائن یا رجعی) دارد. زمانی که مرد به زن وکالت در طلاق می‌دهد، زن بیشتر از مرد حق پیدا نمی‌کند. حال اگر مرد زن را طلاق دهد و این طلاق رجعی باشد، زن نیز اگر خود را وکالتا از طرف مرد طلاق دهد، طلاق وی رجعی است، یعنی مرد می‌تواند رجوع نماید و طلاق را بی‌اثر کند. طبیعتاً با رجوع، عقد نکاح با تمام شرایط قبلی مجدداً بین طرفین برقرار می‌شود و زن مجدداً وکالت در طلاق پیدا می‌کند. حال اگر یک بار دیگر خود را طلاق دهد، باز مرد می‌تواند مراجعه کند. اگر این امر به سه طلاق پیاپی منجر شود، طلاق بائن می‌شود و دیگر امکان رجوع برای شوهر وجود نخواهد داشت (شیری، ۱۳۹۵: ۲۱۱).

اگر زوجه شرط کند که مرد حق رجوع در طلاق رجعی را نداشته باشد، برخی فقها این شرط را صحیح می‌دانند و بر این اساس، طلاق بائن خواهد بود. بنابراین، شرط حق طلاق می‌تواند به تغییر وضعیت حقوقی طلاق و نوع آن منجر شود. علاوه بر اقسام چهارگانه طلاق بائن مذکور در ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی، طلاقی که زن در اثر شرط وکالت، خود را طلاق می‌دهد نیز طلاق بائن است (امامی، ۱۳۹۴: ۵۹/۵-۶۰). طلاق ناشی از حق طلاق، به ویژه در نظام حقوقی اسلامی، به‌عنوان طلاق بائن شناخته می‌شود زیرا این نوع طلاق به‌طور کامل و بدون امکان بازگشت به حالت قبلی صورت می‌گیرد. عواملی همچون عدم امکان رجوع زوجین به یکدیگر، اعلام صریح طلاق از جانب زوجه، عدم توافق طرفین به‌طوری‌که یکی از طرفین (زن) نتواند یا اینکه نخواهد به زندگی خود ادامه دهد و شرایط قانونی مربوط به نظام حقوقی کشور ما باعث می‌شوند که طلاق ناشی از حق طلاق حتی اگر زوجه بائن بودنش را شرط نکرده باشد بائن باشد. در مجموع در صورتی که زن به‌وسیله شرط طلاق خو را مطلقه سازد و امکان رجوع مرد به زندگی مشترک هم چنان باقی باشد عادلانه به نظر نمی‌رسد.

علی رضایی، ۱۳۸۸: ۷۹، یثربی قمی، ۱۳۸۸: ۱۲۰؛ محمود جانلو، ۱۳۹۱: ۳۲؛ عابدی و صفوی شاملو، ۱۳۹۳: ۱۴۸).

شکی نیست که فلسفه جعل این شرط تمهیدی است که قانونگذار برای تأمین حقوق زن و حمایت از وی اندیشیده است. شاید این تصور وجود داشته باشد که حقوق زن در قالب مهریه و نفقه و نهایتاً ارث قابل تأمین نیست و خواسته است به این صورت مانع دیگری برای مرد در اعمال حق طلاقی که قانون موضوعه و شرع به‌طور مطلق به وی اعطا کرده، ایجاد کند. با این تفاوت که سایر حقوق بنا به حکم قانون الزام‌آور می‌شوند ولی این حق اخیر، الزام خود را مدیون اراده مشترک زوجین است (دیانی، ۱۳۸۴: ۳۸). بنابراین سخن، زنان حتی با وجود شرط طلاق می‌توانند از حق تنصیف اموال بهره‌مند شوند زیرا همان‌طور که ذکر شد بهره‌مندی از چنین شرطی به اراده و توافق زوجین بستگی دارد یعنی شرط حق طلاق زن بر امکان دریافت حق تنصیف اموال در حقوق ایران تأثیر مستقیم دارد. برای اینکه زن بتواند حق تنصیف دارایی را مطالبه کند، این شرط باید در متن عقدنامه ذکر شده باشد و توسط شوهر امضا شده باشد. همچنین، درخواست طلاق باید از سوی مرد باشد، در غیر این صورت، زن نمی‌تواند به حق تنصیف دست یابد مگر اینکه از جانب همسرش شرط طلاق داشته باشد.

## ۲-۶- اثر شرط حق طلاق زن بر امکان بائن یا رجعی بودن طلاق

مطابق با ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی، قانون‌گذار از حیث آثار طلاق را بر دو نوع طلاق بائن و طلاق رجعی تقسیم نموده است. ماده ۱۱۴۴<sup>۲</sup> قانون مدنی، در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع قرار نداده است، ولی ماده ۱۱۴۸<sup>۳</sup> قانون مدنی، یعنی طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع قرار

۱- ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی: طلاق بر دو قسم است. بائن و رجعی.

۲- ماده ۱۱۴۴ قانون مدنی: «در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست».

۳- ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی: «در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است».

## ۲-۷- اثر شرط حق طلاق زن بر مدت روند اعمال طلاق

اداره کل حقوقی قوه قضائیه مطابق نظریه شماره ۷/۹۲/۱۳۹۲۱۳۳۱، مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۰۸، اقدام زوج‌های که به وکالت از شوهر خود مبادرت به درخواست طلاق می‌کند را حاکی از رضایت زوج بر طلاق و مشمول ماده ۳۴<sup>۲</sup> قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ می‌داند. اگر زن در ابتدای ازدواج یا پس از آن از همسر خود وکالت‌نامه‌ای دریافت کرده باشد که به او حق طلاق کامل را اختصاص می‌دهد، او می‌تواند بدون نیاز به امضای همسر از او جدا شود. همچنین، مرد باید مهریه را پرداخت کند. این شرایط منجر به کاهش مدت زمان طلاق نسبت به شرایط دیگر خواهد شد. در این حالت، تکمیل تمام مراحل طلاق و ثبت آن به صورت رسمی معمولاً در بازه زمانی ۶ تا ۹ ماه انجام خواهد شد. اما با داشتن وکالت طلاق و وکیل طلاق، ممکن است مدت زمان طلاق به طور قابل توجهی کاهش یابد. مدت زمان لازم برای تکمیل مراحل طلاق با داشتن حق طلاق و تقدیم درخواست تا ثبت نهایی به طور معمول در بازه زمانی ۱۰ تا ۲۰ روز کاری انجام می‌شود (farazlawer.com، ۱۴۰۳). در واقع وجود این شرط به زنان قدرت بیشتری می‌دهد و می‌تواند زمان فرآیند طلاق را کاهش دهد.

مهلت اجرای حکم طلاق متفاوت از گواهی عدم امکان سازش است. این تفاوت از منطوق مواد ۳۴<sup>۱</sup> و ۳۳<sup>۲</sup> قانون

۱- ماده ۳۴ قانون حمایت خانواده: «مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش برای تسلیم به دفتر رسمی ازدواج و طلاق سه ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی قطعی یا قطعی شدن رأی است. چنانچه گواهی مذکور ظرف این مهلت تسلیم نشود یا طرفی که آن را به دفترخانه رسمی طلاق تسلیم کرده است ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم در دفترخانه حاضر نشود یا مدارک لازم را ارائه نکند، گواهی صادر شده از درجه اعتبار ساقط است.»

۲- ماده ۳۳ قانون حمایت خانواده: «مدت اعتبار حکم طلاق شش ماه پس از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام‌خواهی است. هرگاه حکم طلاق از سوی زوج به دفتر رسمی ازدواج و طلاق تسلیم شود، در صورتی که زوج ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ مراتب در دفترخانه حاضر نشود، سردفتر به زوجین ابلاغ می‌کند برای اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفترخانه حاضر شوند. در صورت عدم حضور زوج و عدم اعلام عذر از سوی وی یا امتناع او از اجرای صیغه، صیغه طلاق جاری و ثبت می‌شود و مراتب به زوج ابلاغ می‌گردد. در صورت اعلام عذر از سوی زوج، یک نوبت دیگر به ترتیب مذکور از طرفین دعوت به عمل می‌آید.»

حمایت از خانواده قابل استنباط است. در خصوص نوع طلاق از ناحیه زوج به وکالت از زوج نظریه طلاق توافقی و نظریه طلاق یک طرفه قابل مشاهده است. در نظریه توافقی بودن طلاق به وکالت از زوج، طبق ماده ۳۴ دو مهلت سه ماهه (سه ماه از تاریخ تقدیم گواهی عدم امکان سازش به دفتر خانه طلاق و سپس سه ماه برای ارائه مدارک به دفترخانه طلاق و درخواست اجرا) برای اجرای گواهی خواهیم داشت و در نظریه یک طرفه بودن چنین طلاق، حکم طلاق صادره بر اساس این نظر، در بازه زمانی شش ماهه از تاریخ ابلاغ رأی فرجامی یا انقضای مهلت فرجام خواهی قابل اجرا و ثبت در دفاتر ثبت طلاق خواهد بود (اسدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۰).

## ۲-۸- اثر شرط حق طلاق زن بر مدت روند ثبت در دفاتر ثبت طلاق

تا سال ۱۳۱۰ ازدواج و طلاق اشخاص به ثبت نمی‌رسید و در نتیجه ضوابط خاصی بر این امور حاکم نبود، مگر ضوابط شرعی که رعایت آنان عملاً و عرفاً الزامی بود (کریم پور، ۱۳۷۶: ۲۱). در صورتی که زن از مرد به صورت رسمی و با مراجعه به دفاتر ثبت اسناد رسمی، وکالت در طلاق را اخذ نموده باشد بایستی سند رسمی وکالت‌نامه را به همراه شناسنامه و سند ازدواج آماده نماید و در سامانه ثنا ثبت نماید. طلاق با داشتن حق طلاق تنها حالتی از طلاق است که داشتن وکیل اجباری است. وکیل از مرد دفاع نمی‌کند بلکه صرفاً به جای ایشان در مراحل پرونده حضور دارد. در مراحل پایانی طلاق، بایستی آزمایش عدم بارداری انجام شود زیرا انجام این آزمایش در هر طلاق اجباری است (۱۴۰۳، dadsoo.com).

به موجب ماده ۲۴ قانون حمایت خانواده، طلاق امری قضایی شناخته شد و باز هم حاکمیت مرد بر طلاق کاملاً مردود شد. در این ماده آمده است: «طلاق و سایر موارد انحلال نکاح و نیز اعلام بطلان نکاح یا طلاق در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق حسب مورد پس از صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم مربوط از سوی دادگاه مجاز است». با این وصف ملاحظه می‌شود که در اصلاحیه سال ۱۳۸۱ و نیز قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱



### ۳-۱-۱- آرامش یا عدم آرامش

وجود شرط طلاق برای زنان می‌تواند به آرامش آنان کمک کند، زیرا این شرایط به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در صورت بروز مشکلات جدی در زندگی زناشویی، اقدام به جدایی کنند. این شرایط شامل مواردی مانند بدرفتاری همسر، عدم پرداخت نفقه و اعتیاد است. با این حال، طلاق خود می‌تواند عواقب روحی و اجتماعی منفی برای زنان به همراه داشته باشد، از جمله اضطراب و افسردگی. این در حالی است که برخی ممکن است در نهایت به پذیرش و آرامش برسند، این فرآیند زمان بر و دشوار است. بنابراین، آرامش ناشی از حق طلاق ممکن است تحت تأثیر چالش‌های پس از آن قرار گیرد.

هرگز نباید این نکته را فراموش کرد که: «یک ازدواج موفق همان اندازه می‌تواند مفید باشد که یک ازدواج ناموفق مخرب و ویران کننده است» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۴). زنان پس از طلاق، به دلایلی نظیر: رؤیا بافی، وابستگی اقتصادی، باورهای اشتباه و از دست دادن استقلال، نسبت به مردان آسیب پذیر ترند اما این به معنای احساسی‌تر بودن زن و بی‌عاطفه بودن مرد نیست (۱۴۰۳، newmiind.com). همان‌طور که همه ما می‌دانیم طلاق در اغلب موارد می‌تواند یک تجربه بسیار تلخ و آسیب‌زا باشد که این موضوع به مراتب می‌تواند برای زنان کمی سخت‌تر باشد. اغلب زنان بعد از طلاق موارد متعددی از قبیل: بی‌ثباتی مالی، از دست دادن حضانت فرزندان، یا احساس بی‌ارزشی و شکست را تجربه می‌کنند (۱۴۰۳، mehrbodcenter.ir). از نظر سلامتی تجربه طلاق مانند سایر رویدادهای استرس‌زا در زندگی با افزایش خطر بیماری جسمی و روانی مرتبط است و بر آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد (مفرد نژاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۴۴).

### ۳-۱-۲- داشتن یا نداشتن حس استقلال

باید یاد آور شد زنان هم مثل مردان باید استقلال داشته باشند و بتوانند به‌طور مستقل فکر و رفتار کنند ولی در فرهنگ مردسالار جامعه خیلی از اوقات این استقلال زنان نادیده گرفته می‌شود و منجر به آسیب به روابط زوجین می‌شود. البته بهتر است زنان و مردان برای جلوگیری از دل‌سردی یکدیگر، در روند تصمیم‌گیری‌های خود برای نظر

هر چند تغییر ماهوی در قواعد راجع به طلاق ایجاد نشده است، اما به لحاظ شکلی، ثبت طلاق در دفترخانه موکول به مراجعه به دادگاه و گرفتن گواهی عدم امکان سازش شده است و در نتیجه در عمل استفاده از اعمال حق طلاق برای زوج با این محدودیت‌ها مواجه شده است (مهرپور و درویش زاده، ۱۴۰۰: ۱۸۲). در خصوص ثبت طلاق، سر دفتر طلاق پس از ثبت و تکمیل دفتر و طلاقنامه، رو نوشت اداری آن را به دفتر ازدواجی که واقعه را ثبت کرده ارسال می‌دارد و سر دفتر مکلف است موضوع را در ستون ملاحظات قید کند. معمولاً مدت زمان کل این فرآیند بین ۳ تا ۶ ماه به طول می‌انجامد. و در نهایت لازم به ذکر است که ثبت طلاق در شناسنامه الزامی است و عدم ثبت آن مجازات دارد.

### ۳- آثار روان‌شناسی شرط حق طلاق برای زن

تاکنون به آثار حقوقی حق طلاق برای زنان پرداخته‌ایم اما خالی از لطف نیست که به آثار روان‌شناسی چنین حقی برای زنان نیز بپردازیم و در موارد ذیل بررسی‌شان کنیم:

### ۳-۱- آثار روان‌شناسی شرط حق طلاق برای زن در حوزه افکار و نگرش درونی ایشان

علی‌رغم سابقه تاریخی طلاق، تنها از قرن بیستم است که طلاق به‌عنوان یک آسیب اجتماعی جدی مطرح می‌گردد. طلاق مهم‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده را از هم می‌گسلد و در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است. به همان میزانی که طلاق در زندگی خانوادگی افزایش پیدا می‌کند، آثار و پیامدهای آن نیز هر روز بیش از گذشته حیات جامعه و سلامتی افراد جامعه از جمله زنان را تهدید می‌کند. پژوهش‌های متعددی نشان دهنده آثار منفی طلاق در حوزه‌های مختلف و بخصوص در حوزه سلامت (جسمی، روانی و اجتماعی) برای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و حتی اجتماع است (صادقی و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۱۶). بنابراین در ذیل این بخش از مقاله، لازم دانستیم که به بررسی آثار روان‌شناسی شرط حق طلاق برای زن در ایجاد آرامش یا عدم آرامش، داشتن یا نداشتن حس استقلال برای ایشان بپردازیم.

رفتار ما حساس و سخت‌گیر است. با کمی توجه در می‌یابید آنان که نزدیک‌تر و صمیمی‌تر هستند، برای ثابت ماندن الگوهای رفتاری ما و تداوم آن انتظار بیشتری دارند. حتی اگر به ظاهر آن را بپذیرند و مورد سرزنش و انتقاد قرار ندهند این ایستادگی و مقاومت در برابر هر نوع دگرگونی در تمامی جنبه‌های طبیعی و جهانی نظام‌های بشری وجود دارد (کدخداییان، ۱۳۸۵: ۲۵). بنابراین ما سعی داریم به آثار روان‌شناسی حق طلاق برای زن در تعاملش با خانواده، محیط شغلی و اجتماع بپردازیم.

### ۳-۲-۱- در خانواده

از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع انسانی، خانواده و مسائل مربوط به آن است، زیرا اگر خانواده سست و لرزان باشد، این سستی و تزلزل به میزان وسعت قلمرو خانواده گسترش می‌یابد. از جمله پیامدهای سو تزلزل در خانواده، «طلاق» است (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۶). اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر. برای اینکه علاقه به مادر بیش‌تر از همه علائق هست و هیچ علاقه‌ای بالاتر از علاقه مادری و فرزند نیست، بچه‌ها از مادر بهتر چیز آخذ می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۷/۷۶؛ صدیق اورعی، ۱۳۸۴: ۹). تلاش والدین برای داشتن روابط سالم با همسر سابق و فرزندان به شدت بر توانایی کودک برای هدایت طلاق والدین تأثیر می‌گذارد. بنابراین، والدین تشویق می‌شوند تا از توانایی دیگران برای برقراری ارتباط مؤثر برای کاهش احتمال تعارض والدین حمایت کنند (Houba, 2024: 10). پس از جدایی نیز روابط بین مادر و فرزند تغییر نمی‌کند. مادر سعی می‌نماید تا در کنار رشد، راهنمایی و مراقبت فرزندان علاوه بر وظایف خودش، مسئولیت‌های پدران را نیز به دوش بکشد (جوادی، ۱۳۸۵: ۶۴). والدین باید از رشد و تکامل فرزندان خود اطمینان حاصل کنند و یک محیط مناسب ایجاد کنند تا آمادگی عاطفی را برای رویارویی با رویدادهای نامطلوب زندگی ایجاد کنند تا آنها قابل کنترل باشند و آسیب‌زا نباشند. در عمل تعاملات والدین پس از طلاق مضر است، زیرا اغلب تحت تأثیر خصومتی است که کودک نسبت به همسر سابق احساس می‌کند و پیامدهایی برای تعادل روانی-عاطفی کودک دارد (Olarescu & Dicu, 2023: 7). اگرچه زن با

همسران خود ارزش قائل شوند (محمد یاری و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۸۰). زنان با وجود شرط طلاق ممکن است احساس استقلال بیشتری کنند، زیرا این شرط می‌تواند به آن‌ها این امکان را بدهد که در صورت عدم رضایت از رابطه، گزینه‌ای برای خروج داشته باشند. این احساس استقلال می‌تواند ناشی از توانایی تصمیم‌گیری درباره آینده خود و کنترل بر زندگی شخصی‌شان باشد. همچنین، وجود شرط طلاق ممکن است به زنان کمک کند تا در روابط خود احساس قدرت بیشتری داشته باشند و به دنبال تحقق خواسته‌ها و نیازهای خود برآیند. باید در نظر داشت که موفقیت، ممکن است چالش‌های ملموسی چون تنهایی، دشمنان جدید، ساعات کاری طولانی و دوری از خانواده را به همراه داشته باشد (خادمی، ۱۴۰۲: ۳۴۹). چه‌بسا که طلاق برای برخی از زنان منجر به موفقیت و استقلالشان شود. همواره زانی وجود دارند که به درجه‌ای از استقلال دست یافته‌اند به‌طوری‌که پس از طلاق، به لحاظ مالی خود را مستقل از همسرشان می‌بینند و احساس قدرت می‌کنند.

### ۳-۲-۲- آثار روان‌شناسی شرط حق طلاق برای زن با دیگران

بعد از طلاق، عزت نفس بعضی از اشخاص آن قدر ضعیف می‌گردد که از لحاظ روحی فلج می‌شوند و نمی‌توانند در حرفه خود، تربیت فرزند یا ارتباط با دیگران موفق باشند. اما افرادی که از عزت نفس بیشتری برخوردارند، بهتر می‌توانند با بحران طلاق کنار آیند (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۵۳). طلاق، تأثیر به‌سزایی در زن و شوهر و فرزندان دارد. هر چند طلاق والدین همیشه منجر به بروز مشکلات عاطفی و رفتاری در فرزندان نمی‌شود، اما یقیناً تبعات منفی طلاق بیش از جنبه‌های مثبت آن است (باقری و اشراقی، ۱۳۹۷: ۴۵). در چنین شرایطی فرد بایستی روش‌ها و مهارت‌های ارتباط با دیگران را بیاموزد و با فراگیری این مهارت‌ها الگوی رفتاری خود را به کمال برسانیم. باید بیاموزیم که چگونه به قضایا نگاه کنیم و هرگونه الگوی ارتباطی ناسالم را بشناسیم و کنار بگذاریم حال آن که برقراری ارتباط درست و مؤثر در بهترین شرایط هم کار آسانی نیست. در صورت تغییر الگوی رفتاری خود باید بدانیم که چگونه با واکنش دیگران متوجه شویم همه ما موظف پیروی از نظم بزرگ‌تری هستیم که نسبت به نوع

چنین شرطی، منجر به ایجاد آثاری منفی نیز می‌شود. به‌طوری‌که برخی زنان ممکن است به دلیل ترس از تبعات اجتماعی یا اقتصادی طلاق، از پیگیری شغل‌های جدید خودداری کنند یا اینکه باعث ایجاد تبعیض در محیط کار شود، چرا که برخی کارفرمایان ممکن است از استخدام زنانی که حق طلاق دارند، اجتناب کنند. در مجموع، شرط حق طلاق می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برای تقویت حقوق زنان و افزایش مشارکت آن‌ها در بازار کار عمل کند، اما نیاز به فرهنگ‌سازی و حمایت‌های اجتماعی دارد تا اثرات منفی آن کاهش یابد.

### ۳-۲-۳- در اجتماع

جامعه دارای پتانسیلی بالقوه است که زنان می‌توانند از آن به‌عنوان یک فرصت جهت سازگاری بهتر استفاده کنند (واعظی، ۱۳۹۷: ۱۸۰). سیستم جداسازی طلاق باید به‌عنوان یک سیاست بسیار مؤثر برای دستیابی به برابری جنسیتی شناخته شود (Kreyenfeld & Colleagues, 2023: 2714). یکی از عواملی که می‌تواند بر زندگی زنان تأثیر بگذارد، امنیت است. امنیت، احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرش از طرف جامعه است و در مقابل ناایمنی نیز احساس بی‌یاری و بی‌یاوری، بیچارگی، عدم محافظت و ناشایستگی در مقابل اضطراب‌های گوناگون تعریف شده است (حسنوند و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۹). وجود حق طلاق ممکن است باعث بروز تنش در روابط خانوادگی شود، به ویژه در جوامع سنتی که ارزش‌های خانوادگی اهمیت زیادی دارند.

مطابق پژوهش‌های صورت گرفته بر بیش از ۴۴۰ زن مطلقه در شهر اهواز می‌توان از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی زنان مطلقه به نگاه حقارت آمیز جامعه به این دسته از زنان، احساس تحت نظر بودن دائم، مزاحمت‌های مکرری که باعث تضعیف اعتماد به نفس در زنان می‌شود اشاره نمود. بسیاری از مردان به زنان مطلقه به‌عنوان برطرف کننده نیازهای جنسی خود و ابزاری برای رابطه جنسی نگاه می‌کنند. این درواقع بیان کننده نگاه کلیشه‌ای به زنان و جایگاه آنان در جامعه ایرانی است که از دیرباز تا به امروز در بطن جامعه جریان دارد. بنابراین تاثیرات و پیامدهای اجتماعی-فرهنگی

وجود شرط حق طلاق، خودش متقاضی طلاق و مطلقه ساختن خود بوده است اما نیازمند حمایت خانواده‌اش می‌باشد.

یکی از جنبه‌های مهم حمایتگری، پشتیبانی عاطفی، فکری، مالی و اطلاعاتی اعضای خانواده زن مطلقه از وی و فرزندان است (نظری‌فر و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۰). زنان مطلقه با چالش‌های بزرگی روبرو هستند که برجسته‌ترین این‌ها مشکلات خانوادگی، عاطفی و روانی است. علاوه بر این، کسانی که از حمایت خانوادگی بهره‌مندند نسبت به کسانی که هیچ حمایتی ندارند از وقوع طلاق کمتر آسیب می‌بینند (کرد زنگنه و قاسمی اردهایی، ۱۴۰۲: ۳۸۸). همواره پشتیبانی خانواده از دختران خود می‌تواند به آنان آزادی عمل بیشتری برای اعمال حقوقشان بدهد و آنان را از تبعات منفی طلاق تا حدودی برهاند.

### ۳-۲-۳- در محیط شغلی

در جهان امروز مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی رو به رشد می‌باشد، سهم زنان در نیروی کار جهان از ۳۸ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۴۱ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافته است (روحانی و ابوطالبی، ۱۳۸۸: ۵۶). شرط حق طلاق در ایران به‌عنوان یک توافق میان زوجین، تأثیرات قابل توجهی بر محیط شغلی زنان دارد. پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص نشان می‌دهد که زنان مطلقه شاغل از غلبه بر سختی‌ها و مشکلات زندگی خود لذت می‌برند و در انجام تکالیف زندگی و اجتماعی خود راسخ و مصمم هستند. یافته‌های پژوهشی احتمال این که زنان مطلقه شاغل را سبک‌های رشد نیافته و غیر انطباقی استفاده کنند به حداقل می‌رساند. هم‌چنین در زنان مطلقه اشتغال باعث جهت‌دهی و هدایت و اجتماعی شدن آن‌ها می‌شود و برخلاف دفاع‌های رشد نیافته که در آن فرد با تخریب تصویر واقعی از خویش مواجه می‌شود به سمت و سوی دفاع‌های رشد یافته حرکت می‌کند (دانش و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵).

بنابراین به نظر می‌رسد که وجود شرط حق طلاق برای زن ممکن است منجر به آثاری مثبت همچون افزایش استقلال زنان و کاهش فشار اجتماعی بر آنان شود. با این حال وجود

طلاق در بین زنان مطلقه از مهم‌ترین مسائل و مشکلات در جوامع امروزی است (کرد زنگنه و قاسمی اردهایی، ۱۴۰۲: ۳۶۹).

### نتیجه‌گیری

وجود شرط طلاق برای زن در حقوق ایران تأثیرات عمیق حقوقی و روان‌شناختی دارد. از منظر حقوقی، این شرط می‌تواند به توازن قدرت در روابط زناشویی کمک کند و به زنان این امکان را بدهد که در صورت عدم رعایت حقوقشان، اقدام به طلاق نمایند. از جنبه روان‌شناختی، این شرط می‌تواند احساس امنیت و استقلال را در زنان تقویت کند، اما همچنین ممکن است فشارهای اجتماعی و عاطفی را افزایش دهد. حق طلاق برای زن می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌هایی را به همراه داشته باشد. این شرط به زنان امکان می‌دهد تا در صورت بروز مشکلات جدی، به راحتی از یک رابطه ناپایدار خارج شوند که این خود موجب افزایش احساس استقلال و قدرت در تصمیم‌گیری می‌شود. این امر می‌تواند به تغییر نگرش‌های اجتماعی نسبت به زنان و نقش‌های سنتی آنها کمک کند و به تدریج به کاهش تبعیض‌های جنسیتی منجر شود. بنابراین شرط طلاق نه تنها بر وضعیت حقوقی زنان تأثیر می‌گذارد بلکه به تحول اجتماعی و فرهنگی نیز کمک می‌کند.

وجود شرط طلاق برای زن، ناشی از اراده زوجین می‌باشد به طوری که اگر مرد چنین حقی را به همسر خود بدهد او می‌تواند هر زمانی که اراده کند به وکالت از جانب مرد خود را مطلقه نماید اما این باعث نمی‌شود که زن در صورت اعمال حق خود از مابقی حقوقش بعد از طلاق محروم شود به عبارتی می‌توان گفت که با توجه به قانون مدنی و قانون حمایت خانواده، زنان پس از اعمال حق خویش می‌توانند مهریه خود را به طور کامل مطالبه نمایند. در صورتی که در ذیل عقدنامه شرط تصفیه اموال را توافق و امضا کرده باشند پس از طلاق در نصف اموالی که مرد در زندگی مشترکشان به دست آورده سهم می‌شوند. وجود چنین حقی برای زن مانع از مراجعه زن به وکلای داداگستری نمی‌باشد بلکه می‌تواند با کمک وکیل راحت‌تر به نتیجه مطلوب خود دست یابند. با توجه به قانون

حمایت از خانواده، مراجعه به دفاتر مشاوره قبل از طلاق برای زوجین الزامی است. طلاق ناشی از حق طلاق، طلاق بائن است و عدالت هم همین امر را نشان می‌دهد مگر آنکه زوجین توافق دیگری در خصوص شرایط مذکور کرده باشند.

شرط طلاق می‌تواند تأثیرات مهمی بر حقوق زنان در بازار کار داشته باشد. این شرط می‌تواند منجر به حفاظت از حقوق مالی زنان در صورت طلاق شود و حمایت‌های لازم را برایشان ایجاد کند که این امر به افزایش امنیت شغلی آنها کمک می‌کند. وجود این شرط ممکن است به تغییر نگرش‌ها نسبت به زنان شاغل منجر شود و از تبعیض‌های جنسیتی در محل کار بکاهد. با داشتن حق طلاق، زنان احساس قدرت بیشتری در تصمیم‌گیری‌های شغلی خود پیدا می‌کنند و این می‌تواند به افزایش مشارکت آنها در بازار کار منجر شود. در مجموع، شرط طلاق می‌تواند به تقویت موقعیت حقوقی و اجتماعی زنان در محیط کار کمک کند. در نهایت، بررسی آثار این شرط نیازمند توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی است که بر روابط زناشویی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، این شرایط می‌تواند بر روی فرزندان نیز تأثیر بگذارد. فرزندان شاهد چنین نابرابری‌هایی در خانواده ممکن است الگوهای رفتاری مشابهی را در آینده دنبال کنند و این چرخه نابرابری ادامه یابد. بنابراین، برای شکستن این چرخه و بهبود وضعیت روانی زنان، نیاز به تغییرات فرهنگی و قانونی جدی وجود دارد.

به‌طور کلی، تأکید بر حقوق و استقلال زنان در تصمیم‌گیری‌های زندگی زناشویی نه تنها به بهبود سلامت روانی آنها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تقویت روابط خانوادگی و اجتماعی نیز منجر شود. لازم است که جامعه به‌طور کلی در جهت ترویج برابری جنسیتی و احترام به حقوق زنان حرکت کند، تا زنان بتوانند در یک محیط امن و سالم زندگی کنند و به رشد و پیشرفت خود ادامه دهند.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**تعارض منافع:** در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

- جوادی، محمد، (۱۳۸۵). *روان‌شناسی ناکامی در زندگی زناشویی و تأثیر آن بر فرزندان*. چاپ اول، تهران: انتشارات ماهی طلایی.

- حاتمی، علی اصغر و شرقی، مرضیه (۱۳۹۷). «تاملی در ضرورت احراز عسرو حرج در محاکم جهت صدور حکم و گواهی عدم امکان سازش در کلیه طلاق‌ها». *مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، ۱۰(۱۹): ۶۵-۸۸.

- حسونند، بنفشه؛ نصرتی، فاطمه؛ جهانبخشی، زهرا و کشاورز افشار، حسین (۱۴۰۱). «تبیین فرآیند شکل‌گیری امنیت روانی و زنان مطلقه: یک پژوهش کیفی». *مجله روان‌شناسی و روانپزشکی شناخت تهران*، ۱۰(۴): ۱۴۷-۱۶۰.

- خادمی، مریم (۱۴۰۲). «مروری بر ترس از موفقیت زنان». *مجله دست آوردهای روانشناختی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۳۰(۱): ۳۳۳-۳۵۴.

- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۰). *صحیفه نور*. جلد هفتم، تهران: موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- دانش، عصمت؛ رضابخش، حسین و سیافی، سمانه (۱۳۹۶). «مقایسه پنج عامل بزرگ شخصیتی و دفاعی در زنان مطلقه شاغل و غیر شاغل». *کنفرانس بین‌المللی فرهنگ آسیب‌شناسی روانی و تربیتی دانشگاه الزهرا تهران*.

- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۴). «شرط تنصیف دارایی در عقد نکاح در صورت انحلال آن». *مجله دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح*، ۵۳(۹): ۳۸-۴۱.

- راحم، راضیه و سرگزی کوشه، جواد (۱۴۰۱). *بررسی فقهی حقوقی شرایط جواز صدور طلاق قضایی*. نوبت اول، تهران: مدید.

- روحانی، عباس و ابوطالبی، حمیرا (۱۳۸۸). «رابطه رضایت زناشویی و شادکامی با نوع اشتغال زنان». *فصلنامه تازه‌های*

*سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.*

**تشکر و قدردانی:** از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

## منابع و مأخذ

### الف. فارسی

- اسدی، لیلا سادات و حسینی، سیده مطهره و فتاحی، سید محسن، (۱۴۰۲). «ماهیت طلاق از ناحیه زوجه به وکالت از زوج و آثار ناشی از آن بر فرایند دادرسی». *مجله حقوقی دادگستری پژوهشگاه قوه قضائیه*، ۸۷(۱۲۲): ۶۷-۸۷.

- امامی، حسن (۱۳۹۴). *حقوق مدنی*. جلد پنجم، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات اسلامی.

- امین فرد، محمد؛ فرشی، حمید و رحمانی پاچی، مصطفی (۱۳۹۴). «بررسی صحت با عدم صحت شرط اسقاط حق طلاق ضمن عقد نکاح». *فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران*، ۴۸(۲): ۱۸۱-۲۰۰.

- اورعی، سوسن (۱۳۸۶). *جدایی معنوی*. چاپ دوم، تهران: کلک آزادگان.

- باقری، نسرین و اشراقی، زهرا، (۱۳۹۷). «هم‌سنجی سبک‌های هویت و نگرش به پیوند زناشویی و طلاق در دختران زنان مطلقه و زنان متأهل». *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده دانشگاه کردستان*، ۴(۲): ۴۳-۷۴.

- بجنوردی، سید محمد حسن (۱۴۰۱). *القواعد الفقهیه*. چاپ پنجم، قم: منشورات دلیل.

- پسندیده، عباس (۱۳۴۸). *طلاق، چرایی و چگونگی*. چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- روان‌شناسی صنعتی سازمانی دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار، ۱(۱): ۵۵-۶۲.
- روان‌شناسی صنعتی سازمانی دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار، ۱(۱): ۵۵-۶۲.
- سلیمی، الهه؛ کلانترکوشه، محمد و گلزاری، محمود (۱۳۹۶). «مقایسه عملکرد خانواده از دیدگاه قرآن کریم (آیه ۲۱ سوره روم) در میان زنان متقاضی طلاق و زنان غیر متقاضی شهر اراک». *روان‌شناسی و دین‌موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قم*، ۱۰(۱): ۶۵-۸۴.
- سیاوشی فر، مهرداد (۱۴۰۱). *زن در آیین حقوق و اندیشه اسلامی*. چاپ اول، تهران: سخنوران.
- شیری، عبدالحسین، (۱۳۹۵). *حقوق خانواده*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- صادقی، سهیل؛ فیروزجائیان، علی اصغر؛ جانمحمدی لرگانی، وحید و لطفی، طاهره (۱۳۹۸). «فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در حقوق ایران». *مجله مطالعات خانوادگی زنان دانشگاه الزهرا تهران*، ۶(۲): ۱۱۱-۱۴۳.
- صحراگرد دهکردی، مجید و حائری، محمود (۱۳۹۵). «بررسی فقهی - حقوقی قرارداد بیمه مهریه». *فصلنامه‌های حقوقی، مجله حقوقی تهران*، ۱(۱): ۲۴۷۶-۵۹۲۹.
- صفایی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۸۸). *مختصر حقوق خانواده*. چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان.
- طباطبایی، شیرین (۱۳۸۶). «زنان طلاق». *ماهنامه روان‌شناسی شادکامی و موفقیت تهران*، ۵(۴۹): ۳۴-۳۵.
- طهرانی، محمد علی (۱۳۸۳). *فرهنگ کاتوزیان*. جلد سوم، تهران: دادگستر.
- عابدی، محمد و صفوی شاملو، حسین (۱۳۹۳). «تحلیل فقهی حقوقی اوصاف و وضعیت شرط تنصیف اموال زوج». *مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، ۶(۱۰): ۱۴۵-۱۶۸.
- عمید، حسن (۱۳۶۳). *فرهنگ عمید*. جلد دوم و سوم، تهران: امیرکبیر.
- قنادی، محمد رسول (۱۳۹۹). *اصول حقوقی حاکم بر نکاح و طلاق*. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰ و ۱۳۹۴). *دوره حقوق مدنی خانواده*. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *اعمال حقوقی (دوره مقدماتی حقوق مدنی ۳)*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کدخدائیان، میترا (۱۳۸۵). «زنان مطیع و آرام-زنان سرکش». *روان‌شناسی جامعه تهران*، ۳(۳۴): ۲۲-۲۵.
- کردزنگنه، جعفر و قاسمی اردهایی، علی (۱۴۰۲). «پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه با تأکید بر تفاوت‌های اجتماعی-جمعیتی مرتبط با آن: مطالعه‌ای در شهر اهواز». *نامه انجمن جمعیت شناسی دانشگاه تهران*، ۱۸(۳۵): ۳۶۳-۳۹۲.
- کریمی، اکرم (۱۳۷۸). *بازسازی زندگی پس از طلاق*. چاپ دوم، تهران: انتشارات صابرین.
- کریم پور، مهدی (۱۳۷۶). «ثبت رسمی ازدواج و طلاق». *ماهنامه کانون سردفتران و دفتریاران تهران*، ۱۹: ۴-۲۸.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۰). *بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمد یاری، انسیه؛ رضایی شریف، علی؛ کیانی، احمدرضا و صدری دمیرچی، اسماعیل (۱۴۰۲). «شناسایی کشمکش‌های نقش جنسیتی و مالی زنان شاغل درگیر تعارضات زناشویی، مطالعه پدیدار شناسی». *فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده دانشگاه جامع امام حسین*، ۱۸: ۲۶۶-۲۹۵.
- مفرد نژاد، ناهید؛ منادی، مرتضی و اخوان تفتی، مهناز (۱۴۰۱). «مطالعه کیفی تجارب زنان مطلقه از پیامدهای

Germany: is Divorce a gender\_equaliser?". Cambridge University Press, 43(11): 2700-2720.

-Olarescu, V & Dicu, A (2023). "Causes and Consequences of Divorced Parents in Child Personality Development". *Journal of Innovation in Psychology, Education and Didactics*, 28: 7-1.

ج. سایت

- [www.dadSoo.com](http://www.dadSoo.com)
- [www.Farazlawyer.com](http://www.Farazlawyer.com)
- [www.fa.m.wikipedia.org](http://www.fa.m.wikipedia.org)
- [www.mehrbodcenter.ir](http://www.mehrbodcenter.ir)
- [www.newmiind.com](http://www.newmiind.com)
- [www.Parsaylawyers.com](http://www.Parsaylawyers.com)
- [www.site vakil.com](http://www.site vakil.com)

طلاق (مورد مطالعه: زنان مطلقه شهرستان بهبهان)». علوم روانشناختی دانشگاه تهران، ۲۱(۱۱۶): ۱۵۳۹-۱۵۶۲.

- نظری فر، محسن؛ سودانی، منصور؛ خجسته مهر، رضا و فرهادی راد، حمید (۱۳۹۸). «تدوین الگوی سازش یافتگی زنان پس از رخداد طلاق: یک پژوهش زمینه‌ای». مشاوره و روان‌درمانی خانواده دانشگاه کردستان، ۹(۲): ۹۳-۱۲۲.

- واعظی، کیمیا (۱۳۹۷). «راهبردهای مقابله‌ای زنان با شرایط پس از طلاق». پژوهش‌های مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ۶۸، ۱۷۲-۱۹۱.

- یثربی قمی، سید علی محمد (۱۳۸۸). حقوق خانواده (در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران). جلد اول، تهران: انتشارات سمت.

- یزدانیان، علیرضا و علیرضایی، طاهره (۱۳۸۸). «مقایسه شرط تصفیه اموال زوج با اشتراک اموال در حقوق فرانسه». مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان دانشگاه الزهراء تهران، ۴۵: ۹۴-۱۰۶.

- محمود جانلو (۱۳۹۱). «مأده، شرط تصفیه دارایی زوج در عقد نکاح». ماهنامه دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۹۵: ۹۳-۹۹.

- مهرپور، حسین و درویش زاده، محمد جواد (۱۴۰۰). «تحدید قاعده حاکمیت بی‌قید و شرط زوج بر طلاق در فقه و حقوق موضوعه ایران». فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی دانشگاه تهران، ۴(۴۱۱): ۱۷۳-۲۰۶.

ب. انگلیسی

-Houba, K (2024). *Peer Support, Parental Conflict, and Well-Being Following Parental Divorce*. Southern Illinois: University Edwardsville.

-Kreyenfeld, M; Schmauk, S & Mika, T (2023). "The Gender Person Gap in